

کتاب «الجامعه» و نقش آن در فرآیند تبیین آموزه‌های شیعی

محمد تقی شاکر^۱، رضا برنجکار^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۲۲ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

از شاخه‌های مسئله علم امام موضوع منابع علم امام است. شناخت منابع علم امام، میزان حساسیت نسبت به گفتار ایشان را معین کرده و ملاکی روشن برای گونه‌مواجهه با سخنان ایشان است. در روایات، از منابع علم امام، نوشتاری بنام/الجامعه دانسته شده که گاه از آن به صحیفه تعبیر شده است. الجامعه یکی از دو کانون اصلی علم امام علی (علیه السلام) به احکام و حلال و حرام الهی، در کنار سرچشمه دانش زای الف باب(هزار در علم) است که فرآیند آن آگاهی سایر پیشوایان شیعه به احکام الهی است. نگارش این نوشته در زمان پیامبر توسط امیرالمومنین، بر روی قطعات متعددی از پوست صورت یافته است. دانش این صحیفه، آنگونه که عنوان آن نیز نمایانگر است، امام را از دیگران بی نیاز و مردم را برای دسترسی به حقایق احکام، نیازمند امام می نماید. این امر نشانه‌ای بر تکمیل دین و عرضه کامل حلال و حرام توسط پیامبر اعظم(صل الله علیه وآله وسلم) است و نقشی موثر در تبیین معارفی از دین و استحکام بخشی از آن داشته است.

کلید واژه‌ها: امام علی، الجامعه، املاء، چالش، حلال و حرام، خاتمیت.

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث:

14mt.shaker@gmail.com

۲. استاد دانشگاه تهران، پردیس قم.

۱- مقدمه

بررسی موضوع *الجامعه* از زوایای متعددی قابل پیگیری است. نگاشته حاضر با تلفیقی از نگاه‌ها، پژوهش و تحلیلی حدیثی، کلامی، تاریخی از روایات و گزارش‌های موجود در این موضوع ارائه نموده است، تا علاوه بر بررسی چیستی کتاب *الجامعه*^۱ به نقش آن در استحکام بخشی و تبیین آموزه‌های اعتقادی پیوند یافته با آن، یعنی مسئله پایان نبوت و پرسش از نیازمندی به احکام مسائل جدید و منبع آن؛ و مسئله امامت و ویژگی‌ها امام و چگونگی تشخیص مصداق آن و جایگاه *الجامعه* در این فرآیند، بپردازد. سؤالاتی که محور این مقاله را به خود اختصاص داده است، در سه پرسش اصلی مطرح می‌شود؛ نخست بررسی چیستی *الجامعه*، دوم چگونگی پیوند *الجامعه* با مسئله ختم نبوت و امور پیرامون آن، سوم عوامل تاریخی و نقش آن در بستر اعتقادات و تبیین آموزه‌های شیعه. پیش از بررسی چیستی *الجامعه* و سؤالات مطرح در پیرامون آن، لازم است نگاهی به چگونگی ارتباط امام و پیامبر صورت پذیرد. این امر ما را در اثبات صدق تحلیل داده‌ها و دریافت‌ها کمک می‌نماید.

۱-۱- پیوستگی با پیامبر و نقش آن در دانش امام علی

آیات میانی سوره مجادله (نک: المجادله، ۱۲ و ۱۳) از شواهد پیوندی استوار میان رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) و امیرالمومنین (علیه السلام) است. این آیات که به *آیات نجوی* شناخته شده است شناسهٔ اهتمام درک فیض حضور و کسب دانش از پیامبر، توسط امام علی با وجود تنگدستی است. امیرالمومنین خود را تنها عامل به مفاد آیات معرفی می‌نماید. زمخشری، فخر رازی و آلوسی در تفاسیر خویش با یاد کرد از بیان حضرت، آنرا تصدیق نموده‌اند. صاحب کشف انفاق پی‌درپی حضرت را در راستای یافتن پاسخ پرسش‌های خویش می‌داند. ابن عمر آیه نجوی را یکی از افتخارات و مباحثات امام علی دانسته است که هر کسی آرزوی آن را دارد. وی این افتخار را در کنار تزویج فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و به دست گرفتن پرچم در جنگ خیبر برای حضرت بیان نموده، که نشانه اهمیت و فوق العادگی آن است. (زمخشری، ۴/۴۹۴؛ فخررازی، ۲۹/۴۹۶؛ آلوسی، ۱۴/۲۲۵) بررسی تاریخ زندگانی امیرالمومنین، که از سن کودکی با پیامبر پیوند خورده و برخی از فرازهای آن در خطبه‌های نهج‌البلاغه از زبان حضرت بیان

۱. مقصود از *الجامعه* در سراسر مقاله حاضر، کتاب و صحیفهٔ *الجامعه* است.

شده است، به خوبی از ژرفای این ارتباط پرده برمی‌دارد. حضرت در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه پس از اشاره به تربیت خویش از کودکی در محضر رسول الله (صلوات الله علیه و آله) و پیوند نزدیک ایشان با وی، به گونه‌ای که حضرت رسول در خلوت‌گاه غار حرا او را همراه خویش می‌ساخت،^۱ ثمرات این پیوند را اینچنین بیان می‌نماید؛ من نور وحی و رسالت را می‌دیدم، و بوی نبوت را می‌بوییدم، من هنگامی که وحی بر پیامبر فرود می‌آمد ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید، و فرمود: علی! تو آنچه را من می‌شنوم می‌شنوی و آنچه را که من می‌بینم می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی. (سیدرضی، خطبه ۱۹۲) توجه به اینکه زمان این حوادث دوران نوجوانی حضرت امیر و ابتدای بعثت پیامبر (صلوات الله علیه و آله) است، عظمت روحی و مقام معنوی و علمی حضرت را به خوبی نمایان می‌سازد. در تایید و تاکید بر این گفتار می‌توان شواهد فراوانی از تاریخ و کلمات فریقین اقامه نمود. (به عنوان نمونه نک: صدوق، امالی، ۲۶۹ و ۳۸۸؛ طوسی، ۳۰۹؛ مفید، ارشاد، ۳۳/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۰۴/۱ و ۴۳۲؛ ترمذی، ۳۰۱/۵)

۲- مبادی دانش امام

اعتقاد و التزام به امامت مبتنی بر شناخت صحیح از مقام و ویژگی های امام است. با توجه به مسئله ختم نبوت از جانبی و موضوع خلافت و ولایت ائمه (علیهم السلام) و پرسش از چرایی انحصار مرجعیت دینی، اخلاقی و علمی در پیشوایان شیعه؛ موضوع مبادی و منابع علم امام مطرح می‌شود. علم امام به دلیل نقش و جایگاه امام در سعادت و هدایت انسان و شان مرجعیت دینی و علمی ایشان، دانشی ممتاز و الهی است. گونه‌ای از مبادی این آگاهی، تعالیم و مجاری دریافتی از پیامبر اعظم (صلوات الله علیه و آله و سلم) است که علوم و کتب انبیاء پیشین و کانون های علم‌آفرین را دربر می‌گیرد. در یک نگاه کلی به سرچشمه و مبادی علم و آگاهی پیشوایان شیعه، می‌توان مجاری دانش ایشان را در دو گروه عمده پیگیری نمود؛ الف: علوم

۱. حضرت در وصف این پیوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتَّبِعَ الْفَصِيلَ أَتْرَأَمَهُ بَرِّفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْإِفْتِدَاءِ بِهِ وَ لَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بَحْرَاءَ فَارَاهُ وَ لَأَبْرَاهُ غَيْرِي ...».

بی‌واسطه. ب: علوم با واسطه. علوم بی‌واسطه شامل روح القدس (نک: قیوم‌زاده، شاکر، ۸۷-۹۸) و اسم اعظم می‌باشد. علوم با واسطه دربرگیرنده دو دسته از مبادی است: الف: علوم انتقال یافته از پیامبر به امام ب: علوم انتقالی از فرشته یا روح. علوم انتقال یافته از پیامبر شامل سه شاخه است: ۱. علوم شفاهی ۲. علوم مکتوب ۳. علوم موروثی. هر یک از این گروه‌ها و شاخه‌ها، از اصلی و فرعی، دربرگیرنده عنوان یا عناوینی از سرچشمه‌های علوم امام می‌باشد. (نک: شاکر، ۱۸-۲۸)

از مبادی انتقال و دریافت دانش برای جانشین و وصی خاتم النبیین، علوم انتقالی از پیامبر می‌باشد. علوم انتقالی از پیامبر شامل موضوعات متعدد و متنوعی می‌گردد، که برخی از علوم با گفتن و شنیدن و در حقیقت با پیوندی روحی تحقق یافته است، که موضوع اَلْف باب (هزار در علم) از مصادیق برجسته در این مورد است. برخی از علوم حضرت رسول توسط امام به صورت مکتوب در آمده است. کتاب یا صحیفه‌ای با عنوان «الجامعه» از نمودهای ویژه این دسته است. و برخی از نگاشته‌ها و صحیفه‌های پیشین به گونه موروثی از طریق پیامبر در اختیار امام قرار گرفته است، همانند کتب آسمانی انبیاء گذشته. در تمامی این موارد نقش اساسی در انتقال علم به امام را، پیامبر اکرم ایفا می‌نماید، از این‌رو این علوم تحت عنوان علوم انتقالی از پیامبر قرار داده شده است. (نک: همو؛ کلینی، ۱/۲۲۱-۲۵۲)

همانگونه که گذشت، پژوهش حاضر پاسخگوی سه سوال اصلی است، در بررسی سوال از چیستی جامعه، به طرح این امور پرداخته می‌شود؛ چگونگی پدید آمدن جامعه، محتوای جامعه، ارتباط جامعه با سائر عناوین طرح شده در روایات. در پاسخ به سوال از چگونگی ارتباط جامعه با مسئله خاتمیت این مسائل را باید پیگیری نمود؛ نقش جامعه در تحلیل مسئله ختم نبوت، مکتوبات به ارث رسیده و نقش آن در اثبات وصایت امام. در بررسی پرسش از نقش تاریخ در تبیین اعتقادات شیعه، عناوین ذیل مورد پژوهش قرار گرفته است؛ جایگاه جامعه در عرصه تثبیت یا ارتقای اعتقادات شیعه، نقش جریانهای درون شیعی در شیوع تفکر اتصال علم امام به پیامبر.

۳- ماهیت الجامعه

یکی از عنوان‌های مورد تاکید روایات در رابطه با علم امام، کتاب الجامعه است.^۱ این امر نمود و نشانه‌ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت می‌باشد. در تبیین چیستی و ماهیت آن، الجامعه نگاشته‌ای معرفی شده که به رسول خدا منتسب است، «انما هو اثر عن رسول الله». (کلینی، ۱۳۹/۱ ح ۳؛ همو، ۱۴۶/۱ ح ۲۱) همانا الجامعه اثری از پیامبر می‌باشد. برای رهیافت دقیق‌تر به الجامعه، ائمه اطهار (علیهم السلام) اوصاف و ویژگی‌هایی را ذکر نموده‌اند. به صورت دسته‌بندی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- املاء الجامعه توسط پیامبر و نگارش سخنان آن حضرت توسط امام علی (علیه السلام). این گفتن و شنیدن به صورت خصوصی و ویژه بوده است. (کلینی، ۱۴۵/۱ ح ۱۹؛ همو، ۱۴۹/۱ ح ۱۳) ۲- نوشته شدن کلمات پیامبر بر روی پوست شتر یا گوسفند. (همو) ۳- اندازه این صحیفه، از نظر طول هفتاد ذراع، به اندازه ذراع پیامبر بوده است. (کلینی، ۱۵۳/۱ ح ۶؛ همو ۲۴۱/۱ ح ۵)

عنوان به کار رفته برای این نگاشته در روایات متفاوت است. از این نگاشته گاه با تعبیر صحیفه یا کتاب یا جفر نام برده شده است. جمله «و ان عندنا لصحيفة طولها سبعون ذراعاً» با عبارتهای گوناگون اما به مضمونی یکسان در روایات مطرح شده است که دلالت بر هفتاد ذراع بودن الجامعه دارد. تعبیر هفتاد ذراع تعبیری است که بیانگر واقع و حقیقت الجامعه است و الجامعه صحیفه یا کتابی قطور و پر حجم بوده است. از جمله قرائن این گفتار، مشاهده و وصف شدن الجامعه است. همچنین تعبیر و کلمات خود ائمه (علیهم السلام) از آن به، مطوی و پیچیده بودن آن به دور هم و تصریح به جنس آن که از پوست شتر یا گوسفند می‌باشد^۲ از قرائن وجود عینی و خارجی داشتن و قابل لمس بودن این کتاب می‌باشد. همچنین تعبیر از الجامعه گاه به صحیفه یا کتاب خود شاهدهی بر این ادعا است. از اندیشمندانی که به موضوع جفر و الجامعه اشاره

۱. روایات الجامعه به صورت گسترده در دو کتاب حدیثی اصلی و کهن شیعه، کافی و بصائر الدرجات مطرح شده است، که بسیاری از آنها دارای سندی صحیح و مسند می‌باشند. (برای نمونه نک: کلینی، ۲۳۸/۱-۲۴۱ ح ۵، ۳، و...) ۲. تعبیر به استفاده شدن از دو نوع پوست می‌تواند به دلیل گستردگی مطالب باشد.

داشته‌اند می‌توان از غزالی،^۱ عبدالرزاق کاشانی، (نک: ابن عربی، ۱۱/۱) ایجی و شریف جرجانی^۲ نام برد. از محدثین اهل سنت بخاری و مسلم و احمد بن حنبل و دیگران روایاتی در این خصوص در صحاح و مسانید خود جای داده‌اند.^۳ صدرالمتالهین نیز در دو کتاب خود به جفر و الجامعه پرداخته است. (صدرالمتالهین، مفاتیح الغیب، ۳۷ و ۳۸؛ همو، اسفار، ۳۴/۷)

۱-۳- محتوای الجامعه

بیان موضوع و محتوای الجامعه با عبارتهای متفاوتی در کتابهای حدیثی ثبت شده است.^۴ با کنار هم قرار دادن آنها و قرائن دیگر می‌توان به محتوای کلی و موضوع اصلی الجامعه دست یافت. کلمات و عبارتهایی که به بیان موضوع اصلی الجامعه پرداخته‌اند را می‌توان در پنج عبارت نمایان ساخت. تعبیر دیگر به نوعی با این کلمات همخوانی و مقاربت دارند.

- کل ما يحتاج الناس اليه و ليس قضيه الا و هي فيها حتى ارش الخدش. (کلینی،

۱۵۳/۱ ح ۶؛ علامه مجلسی، ۲۲/۲۶ ح ۲۳، ۹ ح ۲۵، ۱۳ ح ۴۱، ۲۳ ح ۷۲)

۱. وی در گفتار سیزدهم از کتاب سر العالمین و کشف ما فی الدارین با اشاره به نگارش جفر و الجامعه از سخنان پیامبر توسط امام علی، در ضمن، اقرار به دانش وسیع امیرالمومنین و آگاهی حضرت از اخبار آینده می‌نماید. (نک: فتال نیشابوری، ۴۶۷)

۲. ایجی در مواقف در میحث علم، در ذیل طرح مسئله علم به شیء مستلزم علم ضروری به عالم بودن است و گر نه دچار تسلسل علم می‌شویم، برای نمونه به کتاب جفر و الجامعه اشاره می‌کند و شریف جرجانی در شرح مواقف در تبیین، جفر و الجامعه را از نگاهته های امام علی (علیه السلام) دانسته که دربردارنده دانش و از جمله علوم فراوانی از آینده بوده است که به صورت رمزی نگاهته شده بوده است و فرزندان ایشان نیز از دانش آن بهره‌مند بوده‌اند. (ایجی، ۲۱/۶ و ۲۲)

۳. در کتب حدیثی اهل سنت روایاتی به روشنی به وجود صحیفه‌ای نزد امیرالمومنین (علیه السلام) خبر می‌دهد که بیشتر روایات نیز به گوشه‌هایی از محتوای آن که، شامل احکام و حلال و حرام الهی است، اشاره نموده‌اند. مصادیق متفاوت احکام مطرح شده در این روایات بیانگر تعدد اوراقی است که روایات اهل سنت به آن اشاره دارد. (نک: برای نمونه؛ مسلم نیشابوری، ۱۱۵/۴ و ۶، ۸۵/۲۱۷؛ احمد بن حنبل، ۷۹/۱ و ۸۱ و ۱۰۲ و ۱۱۰ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۶ و ۱۵۱ و ۱۵۲؛ بخاری، ۱/۲، ۴/۳۶، ۶۷/۲۲۱ و ۸، ۱۰/۶۹ و ۴۵ و ۱۴۴)

۴. مطالب ذیل عنوان محتوای الجامعه، و، الجامعه؛ جفر و صحف، در نگاهته پیش‌رو، به نقد برخی دیدگاههای مطرح شده در مقاله جفر و الجامعه در دانشنامه جهان اسلام جلد دهم؛ و مقاله الجامعه در دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد هفدهم می‌پردازد. (نک: بهار دوست، ۴۷۵/۱۰-۴۸۰؛ طاووسی مسرور، ۳۵۵/۱۷ و ۳۵۶)

۸- ما من حلال و لا حرام الا و هو فیها حتی ارش الخدش. (صفار، ۱۴۲ ح ۳، ۱۴۴ ح ۸)

- فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الیه الناس حتی الارش من الخدش. (کلینی، ۲۳۸/۱ ح ۱؛ صفار، ۱۵۱ ح ۳)

- ما ترک علی شیئاً الا کتبه حتی ارش الخدش. (صفار، ۱۴۸ ح ۱۱)

۱۱- ما خلق الله من حلال و حرام الا و هو فیها حتی ان فیها ارش الخدش. (همو، ۱۴۴ ح ۱۱)

تعبیر «تمام نیازمندیهای مردم»، و «تمام حلال و حرامها»، که عبارت شماره سه، هر دوی آنها را دربر گرفته، نقطه تعارض گونه میان احادیث در رابطه با محتوا و موضوع جامعه است. اما به نظر می‌رسد قرائنی در خود روایات به خواننده می‌فهماند محتوای کلی و اساسی موضوعات جامعه، احکام و حلال و حرام و به تعبیری مسائل فقهی است. این قرائن علاوه بر راویان احادیث جامعه و جهت و علت گفتگو درباره جامعه که به فهم محتوای جامعه می‌تواند کمک نماید شامل قطعه‌هایی از صحیفه جامعه است که توسط امام برای برخی از اصحاب قرائت شده است و آنچه توسط امام قرائت شده بصورت احادیثی در اختیار ما قرار گرفته است. (نک: کلینی، ۲۴۱/۱ ح ۴، ۹۳/۷ و ۹۴؛ صفار، ۱۴۳ ح ۷، ۱۴۵ ح ۱۴ و ۱۷، ۱۵۷ ح ۱۶، ۱۵۸ ح ۲۱، ۱۶۵ ح ۱۱ و ۱۴) این موارد دلالت خوبی بر مضمون و محتوای جامعه می‌نماید. قرائن و شواهدی که ما را به محتوا و موضوع این نگاشته راهنما است، می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- روایاتی که ائمه (علیهم السلام) را به دلیل بهره‌مندی نسبت به جامعه، از فقهاء و بزرگان فقهی دیگر مذاهب و گروهها برتر دانسته‌اند. در این روایات، ائمه (علیهم السلام) خود را با توجه به در اختیار داشتن و تمسک به جامعه بی‌نیاز و برتر از سایر فقهاء دانسته‌اند و علم فقهاء دیگر نحله‌ها را به علت عدم دست رسی به جامعه، علمی ناقص و آنها را نیازمند به ائمه (علیهم السلام) معرفی نموده‌اند.^۱ (صفار، ۱۴۵ ح ۱۵، ۱۵۷ ح ۱۶، ۱۶۱ ح ۳۳)

۱. محمد بن عذافر صیرفی نقل می‌کند من با حکم بن عیینه (از علمای اهل سنت) نزد امام باقر (صلوات الله علیه) بودیم، حکم از امام سوال می‌نمود و امام به وی احترام و عنایت خاصی مبذول می‌داشت. تا در یک مسئله اختلاف نمودند، حضرت به فرزندش فرمود: برخیز کتاب جدم امیرالمومنین (علیه السلام) را بیاور، ابن عذافر می‌گوید، فرزند امام باقر (علیه ←

۲- اصحابی که وجود جامعه و تبیین چیستی آن با ایشان در میان گذاشته شده، بیشتر از بزرگان فقهی شیعه می‌باشند، همانند ابوبصیر، محمد بن مسلم، ابن ابی یعفور و... (که جهت و علت آن توضیح داده می‌شود).

۳- تصریح گروهی از روایات به تعبیر «ما من حلال و حرام» به صورت منفرد و بدون هیچ اضافه‌ای. در این روایات عباراتی شبیه «کل ما یحتاج الناس الیه» که گستره بیشتری از موضوعات را علاوه بر موضوعات فقهی شامل می‌شود، بیان نگردیده است. (صفار، ۱۵۳ ح ۶؛ علامه مجلسی، ۲۵/۲۶ ح ۲۵ و ۲۲، ۳۵ ح ۶۰، ۳۶ ح ۶۶، ۳۸ ح ۶۹، ۴۴ ح ۷۸، ۵۲ ح ۱۰۴، ۲۲ ح ۱۰، ۲۳ ح ۱۵ و ۱۶)

۴- در روایتی امام باقر پس از سخن از وجود جامعه به مهران بن اعین می‌فرماید: «لو ولینا الناس لحکمنا بما انزل الله» (صفار، ۱۴۳ ح ۵) که عبارت «لحکمنا» می‌تواند قرینه‌ای بر محتوای فقهی، احکامی جامعه باشد.

۵- محمد بن مسلم نقل می‌کند؛ امام باقر از وجود کتابی در نزد خود متعلق به امام علی خیر داد که ائمه (علیهم السلام) به صورت کامل از آن تبعیت می‌کنند، محمد بن مسلم می‌گوید: پرسیدم میراث علمی که به شما رسیده آیا جوامعی از علم است یا شامل تفسیر و تفصیل همه اموری که مردم در مورد آن صحبت می‌کنند مثل طلاق و واجبات می‌شود؟ حضرت فرمود: همانا علی (علیه السلام) تمام علم را یعنی قضاء و واجبات را نگاشت و اگر زمان ما فرا رسید چیزی نخواهد بود مگر اینکه در آن سنتی وجود خواهد داشت. (همو، ۱۴۳ ح ۷) همانگونه که ملاحظه می‌شود فهم محمد بن مسلم از کتاب مذکور به امور مربوط به مسائل احکام و حلال و حرام رفته است. آنچه او را کنجکاو به پرسش نموده، یافتن پاسخ این مطلب است که آیا این کتاب و جوامعی مانند آن، کلیاتی را ذکر کرده‌اند یا شامل جزئیات مسائل و احکام نیز می‌باشند. حضرت با تایید فهم محمد بن مسلم و عبارت تفسیری «القضاء والفرائض» برای لفظ «العلم»، کتاب علی (علیه السلام) را برخوردار از فروعات احکام نیز دانسته است و آن را در برگیرنده تمام سنن پیامبر (صلوات الله علیه و آله) معرفی می‌نماید.

→ السلام) کتابی بسیار بزرگ و درهم پیچیده آورد، آنگاه امام باقر (علیه السلام) فرمود: این کتاب خط علی و املائی رسول خدا است، سپس رو به حکم بن عیینه نمود و فرمود، ابا محمد تو، سلمه و ابوالمقدام هر جا می‌خواهید بروید، ولی به خدا سوگند علم مورد اعتماد را جز در پیش کسانی که جبرئیل بر آنان نازل شده است نخواهید یافت. (نجاشی، ۳۵۹ و ۳۶۰)

۶- از شواهد بر محتوای الجامعه، عبارات پایانی اکثر احادیث است. به اتفاق، در بخش پایانی طرح مسئله جریمه و دیه خدشه و خراش مطرح شده است. این امر دلیلی است که محتوای این صحیفه یا کتاب، تمام مسائل فقهی مورد نیاز مردم است، چرا که اجماع احادیث بر این تعبیر و اشاره نشدن به موضوع و مثالی از علوم دیگر می‌تواند دلیل مناسبی باشد که محتوای الجامعه شامل تمامی ابواب و مسائل احکام و عبادات می‌شود نه موضوعاتی دیگر؛ در غیر این صورت لازم بود جزئی‌ترین مسئله از علوم و موضوعات دیگر نیز در برخی روایات بیان شود. در برخی از احادیث، قطعات و جملاتی از الجامعه بیان شده، ملاحظه و دقت در این جملات که تنها بازگویی مسائلی چند از احکام و عبادات است نشانگر و قرینه بر محتوای الجامعه می‌باشد. (کلینی، ۲۴۱/۱ ح ۴، ۹۳/۷-۹۵؛ صفار، ۱۴۳ ح ۷، ۱۴۵ ح ۱۴ و ۱۷، ۱۵۷ ح ۱۶، ۱۵۸ ح ۲۱، ۱۶۵ ح ۱۱ و ۱۴) آنچه بیان شد، شواهدی است که نشان می‌دهد محتوا و محور اصلی الجامعه، احکام و مسائل حلال و حرام می‌باشد.^۱ البته به قرائن مذکور قرینه‌های دیگری هم می‌توان افزود. از جمله با نگاه کلی و کلان به منابع علوم ائمه (علیهم السلام) می‌توان ادعا نمود که هر یک از این منابع متکفل بیان و دستیابی به گروه و گونه خاصی از دانش‌ها بوده‌اند. به عنوان نمونه مصحف فاطمه (سلام الله علیها) که جزء منابع مورد تاکید ائمه (علیهم السلام) می‌باشد منبع شناخت و آگاهی از علوم ویژه‌ای بوده است، و یا روایت حارث نضری (طوسی، ۴۰۸ ح ۹۱۶؛ صفار، ۳۱۶ ح ۱) از امام صادق (علیه السلام) با توجه به مضمون روایات الجامعه که آن را مشتمل بر تمام احتیاجات مردم در مسائل فقهی می‌داند، بیانگر این مطلب است که مصادر و مجاری علوم چون نکت در قلب و نقر در اذن، مسائلی سوای احکام و عبادات می‌باشد.^۲

۱. علامه عسکری در این زمینه می‌نویسد: «اسم کتاب علی (علیه السلام) فی الاحکام و قد سمی الأئمه من أهل البيت اسم کتاب علی الذی املا علیه رسول الله فیہ الاحکام؛ الجامعه». (عسکری، ۳۰۹/۲)

۲. تبیین کامل این امر از حوصله این مقاله خارج است برای دستیابی به آن نک: مقالات نگارنده؛ منابع علم امام (علیه السلام) مجله امامت پژوهی ش ۶؛ حقیقت مصحف فاطمه (سلام الله علیها) و پاسخگویی به شبهاتی پیرامون آن، مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی ش ۶؛ چیستی عمود نور، مجله علوم حدیث ش ۶۳؛ صحیفه جامعه و علم امام، مجله کلام اسلامی ش ۸۳؛ علم امام (علیه السلام) به قرآن و چگونگی آن، مجله آموزه‌های قرآنی، ش ۱۶.

۲-۳- الجامعه؛ جفر و صحف

احادیث از در اختیار داشتن صحیفه‌های گوناگونی توسط ائمه خبر می‌دهند، به گونه‌ای که براساس گزارش گروهی از روایات، خواندن و فهم نوشتارِ درون برخی صحیفه‌ها توسط غیر امام ممکن نبوده است. (مفید، ارشاد، ۲۸۴؛ صفار، ۳۰۷ ح ۱؛ علامه مجلسی، ۵۵/۲۶ ح ۱۱۵) در روایات گاه از برخی کتابها و صحیفه‌های در اختیار ائمه اطهار (علیهم السلام)، با عنوانی مشترک نام برده شده است. از آن رو که بیان رابطه میان این نگاشته‌ها و عنوان آنها گاه دچار خلط گردیده است، (نک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۱۸/۵-۱۲۰؛ امین، ۲۵۵/۱۱) نیم نگاهی به این مسئله لازم و مناسب است. از جمله مهم ترین این عنوانها می توان به عنوان جفر اشاره نمود. عنوان کلی تمام صحیفه‌ها گاه با افزودن صفت *ابیض* به واژه جفر، به صورت *جفر ابیض* به کار برده شده است. طبق برخی از احادیث *جفر ابیض* شامل: *زبور، تورات، انجیل*، صحیفه‌های موسی و ابراهیم است. برخی روایات *مصحف فاطمه (سلام الله علیها)* را نیز در ذیل *جفر ابیض* نام برده اند. (کلینی، ۲۴۰/۱ ح ۳؛ صفار ۱۵۰ ح ۱) در برخی دیگر از روایات *جفر ابیض* در بر دارنده تمام کتابهای الهی قبل از *تورات و انجیل* دانسته شده است. (طبرسی، ۳۷۲/۲؛ مفید، ارشاد، ۱۸۶/۲؛ طبرسی، ۲۸۴؛ اربلی، ۱۷۰/۲؛ فتال نیشابوری، ۲۱۰/۱؛ راوندی، ۸۹۴/۲) روایاتی دیگر با واژه جفر، به تنهایی و بدون صفت *ابیض*، آنرا فراگیرنده سلاح و کتب رسول الله و *مصحف فاطمه* بیان نموده است. (صفار، ۱۵۴ ح ۹؛ علامه مجلسی، ۴۵/۲۶ ح ۸۰) ملا محسن امین، جفر را بنابر روایات، شامل کتابهای متعددی می‌داند که رسول خدا برای امیرالمومنین املاء نموده است. این نگاشته‌ها برخوردار از علوم گوناگون و آگاهی دهنده از حوادث آینده بوده است.^۱ (امین، ۲۵۶/۱۱) انتساب نادرست تالیف جفر توسط برخی از اندیشمندان اهل سنت به امام صادق (علیه السلام) نشان دهنده گزارش تاریخی وجود جفر در قرن دوم می باشد. (نک: آقابزرگ تهرانی، ۱۱۸/۵ و ۱۱۹؛ خونی، ۱۳۹/۱۶) گاه همراهی جفر و *الجامعه* و بیان فراگیری دانش آینده، که گزارش برجسته آن را در مسائل پیرامونی خلافت عهدی امام رضا (صلوات الله علیه)

۱. الجفر بعد ما وردت به الروایات عن الائمة الهداء بأنه مسک جفر، فیه علم من إملاء النبى بخت الوصى. (امین، ۲۵۶/۱۱) الجفر كما قدمناه جلد کتب فیه علی ع من إملاء رسول الله (ص) أنواعا من العلوم و الحوادث المتأخرة هكذا جاءت الروایة عن أئمة أهل البيت علیهم السلام (همو).

می‌توان مشاهده نمود، (ابن شهر آشوب، ۳۶۴/۴؛ طبری، ۲۶۳) سبب شده است که برخی (نک: طاووسی، ۳۵۵ و ۳۵۶) جامعه را شامل علم به آینده بدانند. اما با آنچه گذشت روشن است که جامعه تنها شامل بخشی از دانش آینده، یعنی دربردارنده علم به حکم مسائل جدید و احکامی نو می‌باشد (مقصود از جدید بودن احکام جامعه در ادامه تبیین خواهد شد)، از این رو برخوردار از سائر علوم - همانند نام شیعیان و مخالفان یا دانش گذشته و آینده - نیست.^۱

در تحلیل چرائی این اختلاف، توجه به خانواده احادیث علم و ودائع به جای مانده برای امام پر اهمیت است. روایات فراوانی دلالت می‌کنند، علم هر پیامبری به پیامبر پس از او و اوصیاء ایشان انتقال یافته است. از این انتقال در روایات با عبارت، ارث رسیدن و ارث بردن تعبیر شده است. (کلینی، ۲۲۱/۱-۲۲۳ ح ۸۱، ۲۲۵ ح ۴) این انتقال علم تنها اختصاص به علوم مکتوب نداشته است. گفته شده، علم و دانشی که با آدم ابوالبشر به زمین آمد، علمی ماندگار و باقی در زمین است که انبیاء و ائمه (علیهم السلام) از آن برخوردار و به ایشان ارث رسیده است. (همان) روایات، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را وراثت علوم و عطایای تمام انبیاء معرفی می‌نماید. (همو، ۲۲۵/۱ ح ۵؛ صفار، ۱۳۶ ح ۵) در روایات تاکید شده صحف انبیاء گذشته توسط پیامبر به ائمه (علیهم السلام) به ارث رسیده است. (صفار، ۱۳۷ ح ۹ و ۱۳۸، ۱۰ ح ۱۳ و ح ۱۵) از روایات استفاده می‌شود صحیفه‌های مذکور دربرگیرنده معارف و حقایقی ارزشمند و شامل مبانی و دلایل معارف الهی بوده اند. (کلینی، ۱۶۹/۱ ح ۳؛ صدوق، امالی، ۵۸۹ ح ۱۵) همچنین در روایات بیان شده که ولایت امیرالمومنین در تمام صحف انبیاء مکتوب می‌باشد (کلینی، ۴۳۷/۱ ح ۶؛ صفار، ۷۲ ح ۱) و شواهدی از آن در روایات بیان شده

۱. مقصود از جفر در اینگونه تعابیر از آنروست که واقعیت داشتن یا نداشتن را دربر دارد و مراد از جامعه از حیث جواز و عدم جواز می‌باشد و هر یک بیانگر مطلبی مخصوص خود است و به کار رفتن این دو به همراه هم نباید باعث سرایت محتوای هر یک به دیگری شود. اما در مورد موارد اخلاقی که به جامعه استناد داده شده است، باید گفت امور اخلاقی هم به امور عملی مربوط می‌شود و در ذیل حلال و حرام می‌گنجد. علامه عسگری در تایید این گفتار پس از ذکر گروهی از روایات می‌نگارد: يظهر من بعض الأحادیث انه كان لدى الأئمة كتابان من أبيهم الامام علي عليه السلام اسم أحدهما الجامعة فيه احكام الحلال والحرام ، وآخر يسمونه بالجفر فيه أنباء الحوادث الكائنة. وكتاب ثالث من أمهم فاطمة بنت رسول الله (صل الله عليه و آله و سلم) يسمونه مصحف فاطمه ، فيه أنباء من الحوادث الكائنة والكتب الثلاثة كانت بخط الإمام علي عليه السلام. (عسگری، ۳۱۰/۲ و ۳۱۱)

است. (صدوق، توحید، ۴۱۷ به بعد، ۱۸۰ ح ۱۵؛ کلینی، ۵۱۵/۱ ح ۳) در برخی روایات به نقل و انتقال کتب و حتی واسطه‌های انتقال صحیفه‌ها از امامی به امامی دیگر تصریح شده است. (کلینی، ۲۹۰/۱ ح ۶، ۳۰۳ ح ۱؛ طبرسی ابومنصور ۲۵۷؛ صفار، ۱۴۸ ح ۹، ۱۶۳ ح ۳، ۱۶۴ ح ۶؛ علامه مجلسی، ۵۰/۲۶ ح ۹۶ و ۵۱، ۹۷ ح ۱۰۰، ۱۸۳ ح ۱۸۷، ۱۲ ح ۲۴) از اینگونه روایات و روایات دیگر استفاده می‌شود این انتقال، انتقالی حقیقی بوده و صحف اصلی انبیاء در اختیار و دسترس پیشوایان شیعه بوده است. کتابهای آسمانی پیامبران گذشته مانند تورات، زبور، انجیل و صحیفه‌هایی مثل ابراهیم از جمله علوم مکتوبی است که پیامبر اکرم واسطه در انتقال آن به امام علی (علیه السلام) است و همچنین هر امامی واسطه در انتقال به امام بعدی است. (کلینی، ۲۲۳/۱ ح ۱ و ۳، ۲۲۵ ح ۴ و ۵ و ۶، ۲۵۶ ح ۷؛ علامه مجلسی، ۲۰/۲۶ ح ۷) از این کتابها و صحیفه‌ها، در برخی روایات با تعبیری اختصاری و با واژه جفر/بیض یاد شده است. مطابق آنچه بیان شد می‌توان ادعا نمود، واژه جفر یا جفر/بیض عنوانی است که دربرگیرنده دو دسته از نگاشته‌ها، الواح و صحیفه‌ها می‌شود: دسته‌ای که قابل مشاهده بوده‌اند، به گونه‌ای که آگاهان به زبان آن کتاب می‌توانستند آن را قرائت کنند و مطالب آن را درک نمایند، مثل کتب تورات و انجیل. (صفار، ۱۳۷ ح ۱۱، ۳۲۵ ح ۴؛ علامه مجلسی، ۱۸۶/۲۶ ح ۲۰) دسته دوم نگاشته‌هایی که به صورت رمز و اشاره بوده است. در نتیجه، جفر مجموعه‌ای است که دربردارنده علم گسترده و فراوانی است. ابو عبیده از امام صادق (صلوات الله علیه) نقل می‌نماید که حضرت در پاسخ از جفر بیان داشت: «هو جلد ثور مملو علماً». (صفار، ۱۵۳ ح ۶؛ کلینی، ۲۴۱/۱ ح ۵) گاه نام کل این مجموعه به برخی از آن اطلاق شده است. در ادبیات عرب از این امر به اطلاق کل بر جزء تعبیر می‌شود.

۴- الجامعه و مسائل جدید

آنچه بیان شد علاوه بر روشن نمودن مسائلی چند از الجامعه، می‌تواند دست‌مایه‌ای برای طرح سوال محوری دوم این مقاله قرار گیرد. دو پرسشی که در این میان نقش آفرینی می‌کند عبارتند از: ۱. نقش الجامعه در تحلیل مسئله ختم نبوت، ۲. مکتوبات به ارث رسیده و نقش آن در اثبات وصایت.

با دلائل فراوانی که بیان شد روشن است که جامعه نگاشته‌ای متکفل دست‌یابی امن و صحیح‌تر از فقهی امام به احکام الهی است. املاء «الجامعه» توسط پیامبر (ص)، نگاشته شدن آن توسط امام علی (ع) و حجم فراوان و بیان جزئیات احکام و حلال و حرام موید این گفتار است. از آن‌رو که با ختم نبوت جریان نزول احکام و شریعت پایان می‌پذیرد و از سوی دیگر امام دارای شأن تشریح و تقنین احکامی جدید نیست، این سوال مطرح است که امام نسبت به پرسشهای جدید فقهی و مسائل جدید عملی چگونه تعامل می‌کند. آیا شیعه به موضوع ختم نبوت با نگاهی خدشه‌انگیز نگاه می‌کند و مکتب تشیع شئون پیامبر خاتم را به افراد معینی پس از ایشان نسبت می‌دهد، و از این‌رو متهم به تزلزل در اعتقاد یقینی خاتمیت می‌باشد و مفهوم خاتمیت در این مکتب مفهومی سست و رقیق شده است. (سروش، ۵۴ و ۵۵) هر چند این سوال نیازمند بررسی زوایای گوناگون آن است^۱، اما جنبه‌ای که روایات مطرح کننده عنوان *الجامعه* می‌تواند پاسخ‌گوی این پرسش باشد دارای اهمیت فراوانی است، زیرا بیانگر اعتقاد کامل پیشوایان شیعه به جریان ختم شریعت و بهره‌مندی از پاسخ این شبهه است؛ و از سوی دیگر نقش *الجامعه* در فرآیند تبیین آموزه خاتمیت و تبیین شئون و وظایف امام را روشن می‌نماید.

چالش پدید آمدن مسائل جدید و نیاز مردم به آگاهی از احکام مسائل جدید از جمله مواردی است که در روایات ذیل عنوان *الجامعه* مورد اشاره قرار گرفته است. پیشوایان شیعه، بهره‌مندی از *الجامعه* را یکی از دلائل نیازمندی مردم به اوصیای منصوب از جانب پیامبر معرفی نموده‌اند و آگاهی و شناخت خویش از *الجامعه* را سبب بی‌نیازی از دیگران بیان نموده‌اند. تعبیری همانند «علم یستغنی به عن الناس و لایستغنی الناس عنه» (صفار، ۳۲۶ ح ۱ و ۲؛ علامه مجلسی، ۶۲ ح ۱۴۱ و ۱۴۲) یا علم جدید خواندن محتوای *الجامعه* [صدوق، التوحید، ص ۱۶۶ ح ۱۶] و یا *الجامعه* را مصداق آیه «**وَأَوْثَارَ مَنْ لَمْ يَنْتَمِ إِلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ**» (الاحقاف، ۴) دانستن (صفار، ۱۵۸ ح ۲۰، ۱۶۷ ح ۲۱)، بیان‌گر بهره‌مندی پیشوایان شیعه از مجرائی مطمئن در وصول و تبیین احکام الهی است. روایات با اشاره به پدیدار شدن موضوعات و مسائل نو، وجود

۱. برای ملاحظه زوایای این مسئله نگاه کنید؛ امامت و خاتمیت از دیدگاه قرآن و حدیث (مجله کتاب قیم، ش ۶).

الجامعه را سبب بهره‌مندی کامل و توانمندی پاسخ صحیح و در اختیار داشتن احکام واقعی بیان نموده‌اند. (کلینی، ۵۷/۱ ح ۱۴؛ صفار، ۱۴۶ ح ۲۳، ۱۴۹ ح ۱۶) در این روایات بیان شده، دوری و غفلت از جامعه سبب فاصله گرفتن از واقع و قوانین و دستورات حقیقی خداوند، با تمسک به قیاس و نظریات شخصی (تفسیر به رای) شده است. (صفار، ۱۴۶ ح ۲۲، ۱۴۸ ح ۸)

مشاهده، مطالعه و گزارش ارزنده زراره بن‌اعین از مصحف علی یا جامعه، (کلینی، ۹۴/۷ ح ۳) که مشتمل بر احکام و تکالیف عملی است، نشان می‌دهد تا چه اندازه جریان غالب سیاسی نسبت به حقایق احکام جفا و زمینه انحراف احکام الهی را (تا پیش از دوره صادقین علیهما السلام) پدید آورده است.^۱ بیان زراره در گونه برخورد خود با این صحیفه بیانگر تفاوت میان آن چه (در آن دوره) از احکام شایع است با حقایق احکام الهی دارد،^۲ به‌ویژه آنکه این رویداد در ابتدای تشرّف وی به حصن ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و آشنائی او با امام باقر (علیه السلام) صورت یافته است.^۳ (حائری، ۸۴) زراره برداشت خویش از آن صحیفه را، پس از آگاه دانستن خویش به احکام و فرائض، اینگونه گزارش می‌کند: «فَنظَرْتُ فِيهَا فَإِذَا فِيهَا خِلَافٌ مَا بِأَيْدِي النَّاسِ مِنَ الصَّلَاةِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ وَإِذَا عَامَّتْهُ كَذَلِكَ». (کلینی، ۹۵/۷) از این رو آنرا باطل می‌پندارد و در پاسخ سوال امام از نظر او درباره محتوای جامعه، آنرا در تضاد با آنچه

۱. برای ملاحظه نمونه‌های فراوان از دگرگونی در احکام و قوانین شریعت و اجتهاد در مقابل نص از طرف برخی صحابه و خلفاء، نک: (شرف الدین، ۸۷-۳۸۵)

۲. مویّد تفاوت صحیفه با احکام مطرح در میان مردم، پاسخ حضرت به سوال ابتدائی زراره است که منجر به رویت جامعه شد، او می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَجِدُ أَحَدًا قَالَ فِيهِ إِلَّا بَرَأِيَهُ إِلَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». حضرت تمام دیدگاه‌های مطرح را مخالف آنچه امیرالمومنین در صحیفه خود آورده‌اند بیان می‌کند، و به عبارتی دیدگاه امام علی علیه‌السلام را دیدگاهی متفاوت دانسته است.

۳. با توجه به: الف؛ متن روایت و گفتار زراره و رفتار او که واکنشی عقلانی است نه تعبدی ب؛ منکر و غریب دانستن محتوای جامعه، ج؛ زمان این رخداد که در عصر امامت امام باقر (علیه السلام) پ؛ زمانه نخست آشنائی و تشرّف زراره به مذهب ناجیه د؛ وصفی که زراره از خود در متن روایت نموده و خود را فردی دانا و آگاه به مسائل مطرح و دانش فقه رایج در بستر مردم می‌خواند ه؛ و در جانب مقابل بحثی از حجت بودن امام مطرح نیست، روشن است که تعجب زراره ناشی از تعلقات شریعتی است که مذهب اهل سنت به او تحمیل نموده است. از این رو رفتار طرد گونه نسبت به کتاب جامعه از او پدیدار می‌شود.

مردم به آن عمل می‌کنند می‌داند.^۱ امام انگاره بطلان «الجامعه» را ناصحیح و حقیقت احکام را همان امور مطرح شده در صحیفه می‌داند و در دلیل آن، استناد کلمات صحیفه به رسول خدا(ص) را مطرح می‌کند؛ «فَإِنَّ الَّذِي رَأَيْتَ وَاللَّهِ يَا زُرَّارَةَ هُوَ الْحَقُّ، الَّذِي رَأَيْتَ إِمْلَاءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ حَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ». به بیانی دیگر امام در مقابل انکار حقانیت «الجامعه» به سرچشمه آن یعنی املاء پیامبر و نگارش امیرالمومنین استناد می‌نماید و این استناد در واقع زمینه‌چینی امام برای انتقال دادن و دریافت حقایق احکام و معارف توسط زراره است چرا که امام با این عمل خویش استناد گفتار خود به پیامبر را برای او اثبات و مسجل می‌نماید. زراره پس از آگاهی از حقیقت آن صحیفه، نسبت به بهره نبردن کافی از آن افسوس می‌خورد و آنگاه که جریان را برای برخی از دوستان خود نقل می‌کند، اصحاب وی را به عنوان مرجع عرضه و پالایش روایات قرار می‌دهند.^۲ با توجه به گزارش کشی از اصحاب اجماع و قرار گرفتن زراره در دسته اول از اصحاب اجماع و «افقه السنه» دانستن وی توسط کشی، (کشی، ۲۳۸) از نقش جامعه در تبیین فقه شیعه، و کارگردانی بی نظیر امام باقر (علیه السلام) در ایجاد نخستین جرقه‌های انتشار احکام جامعه در بستر اندیشه و رفتار شیعه، با نمایش جامعه به زراره و تصحیح نگاه وی به آن و گزارش این رویداد برای اصحاب و رویکرد اصحاب نسبت به آن، پرده برمی‌دارد.^۳

۱. قُلْتُ بَاطِلٌ لَيْسَ بِشَيْءٍ هُوَ خِلَافٌ مَا النَّاسُ عَلَيْهِ.

۲. با توجه به آنچه گفته شد و تعبیر درون متن روایت دانسته می‌شود تعبیر کتاب الفرائض تعبیری دیگر از جامعه یا برخی از آن است. دلیل بر این گفتار دو روایت ذیل است که در یک روایت حضرت صحیفه‌ها را متعدد دانسته، روایت دوم تعدد صحیفه‌ها را با توجه دادن به تفاوت عناوین و فصول احکام و تعلق هر صحیفه به بخشی از احکام همانند مسائل قضا، یا فرائض تبیین نموده است. ۱. عن جابر بن يزيد، قال: قال أبو جعفر الباقر: ان عندي لصحيفة فيها تسعة عشر صحيفة قد حباها رسول الله (صفا، ۱۴۴ ح ۱۲) ۲. قال أبو جعفر: ان عندنا صحيفة من كتب علي طولها سبعون ذراعا فنحن نتبع ما فيها لا نعدوها وسألته عن ميراث العلم ما بلغ! أجوامع هو من العلم أم فيه تفسير كل شيء من هذه الأمور التي تتكلم فيه الناس مثل الطلاق والفرائض؟ فقال: ان عليا كتب العلم كله القضاء والفرائض فلو ظهر أمرنا لم يكن شيء الا فيه، نمضيهها. (همو، ۱۴۳ ح ۷) نکته دیگری که از روایت مطرح در متن استفاده می‌شود تأییدی بر روایات حل تعارض میان اخبار است که یک راه آن را مخالفت با عامه مطرح نموده‌اند. این روایت از این جهت بیانی خاص در تأیید مسئله شیوه حل تعارض میان روایات است.

۳. تبیین بیشتر این مسئله و روایات بیانگر این ادعا در بخش پیش‌رو (الجامعه و قیاس) بیان می‌شود.

از مجموع آنچه تا کنون بیان شد دانسته می‌شود، منشا و مجرای دانش امام به حلال و حرام الهی، استنباط و اجتهاد شخصی نیست، بلکه سرچشمه دانش پیشوایان شیعه نسبت به احکام را باید در منشأی روشن و تنها مجرای دریافت احکام شرعی یعنی پیامبر(ص) جستجو نمود.^۱ و بهره‌مندی از دانش حقیقی احکام را نشانه و دلیل بر نیاز مردم به ایشان و بهره‌مندی ائمه از جامعه را نشانه حقانیت پیشوایان شیعه دانست. صدرالمتالهین در بیانی در ذیل عنوان تفاوت میان نگاشته خالق و مخلوق در چگونگی اشتغال جامعه بر تمامی احکام، آنرا امری الهی دانسته و بیانی ذوقی در این باب مطرح می‌کند. (نک: صدرالمتالهین، اسفار، ۳۴/۷ و ۳۵)

۵-الجماعة و قیاس

از جمله مطالبی که در روایات ذیل عنوان *الجماعة* قابل پیگیری است، استدلال و احتجاج به وجود *الجماعة* در برابر جریانها و شاخه‌های انحرافی مذهب تشیع و بلکه دیگر فرق و مذاهب می‌باشد.

پیشوایان شیعه (علیهم السلام) با توجه دادن به مبادی معرفتی و لزوم مستند و منقح بودن احکام و فتاوی صادر شده توسط علماء؛ منبع معرفتی و آگاهی خود را مستند به کلمات پیامبر (صلوات الله علیه و آله) می‌دانند. فضیل بن یسار از امام باقر نقل می‌کند: «انا علی بینه من ربنا بینها لنبیه فیبینه نبیه (صلی الله علیه و آله و سلم) لنا و لولا ذلك لکنا كهولاء الناس». (مفید، اختصاص، ۲۸۰؛ صفار، ۲۹۹ ح ۲، ۳۰۱ ح ۹؛ برای ملاحظه روایاتی با این مضمون نک: علامه مجلسی، ۳۰/۲۶ ح ۴۲، ۳۱ ح ۴۴ و ۴۳) ما بر بینه‌ای که خدا آنرا برای پیامبر خود روشن نموده هستیم که پیامبر آنرا برای ما بیان نمود و اگر اینگونه نبود، همانند این مردم بودیم. ائمه (علیهم السلام) در مقابل، ریشه و مصدر احکام و فتوای عالمانی چون ابوحنیفه و ابن شبرمه را قیاس، ظن و

۱. سید محسن امین در اعیان الشیعه علم امام را بواسطه انتقال آن از طریق پیامبر دانشی الهی می‌داند و مانعی برای چنین امری نمی‌داند (امین، ۵۵۶/۱۱) آیت الله بروجردی نیز بر این عقیده است و می‌نویسد: این کتاب نزد خاصه و عامه به شهرت رسید و معروفیت یافت. زیرا آنان در جواب بسیاری از استفتائات اهل سنت مانند غیاث بن ابراهیم، طلحه بن زید سکونی، سفیان بن عیینه، یحیی بن سعید و مانند آنها می‌گفتند که در کتاب علی(ع) چنین آمده است (نک: معارف، ۴۲)

تخمین دانسته‌اند. ابی شیبیه نقل می‌کند از امام صادق (صلوات الله علیه) شنیدم: «آگاهی و دانش این شبرمه در برابر جامعه گمراهی است، همانا وجود جامعه برای کسی مجال کلام و حرفی باقی نمی‌گذارد، در آن علم حلال و حرام گرد آمده است. همانا اصحاب قیاس با قیاس خواستار دست یافتن به علم و دانش شدند، در حالی که اینگونه کسب علم نمودن، جز دوری از حقیقت ثمری ندارد و همانا دین خدا با قیاس به دست نمی‌آید». (کلینی، ۵۷/۱ ح ۱۴؛ صفار، ۱۴۶ ح ۲۳، ۱۴۹ ح ۱۶) روایت مذکور علاوه بر آن که محتوای جامعه را علم حلال و حرام بیان می‌کند، دوری از آن را سبب بی راه رفتن و دور شدن از حقیقت، با چنگ زدن به آویزه هائی چون قیاس می‌داند. ابن ابی عمیر از محمد بن حکیم نقل می‌کند امام کاظم (علیه السلام) با تبیینی از علت هلاکت اقوام گذشته، پندار ناقص بودن دین خاتم را مردود می‌شمرد و در پاسخ این پرسش که نیازمندی‌های پس از پیامبر با توجه به ختم رسالت چگونه تامین خواهد شد، می‌فرماید: خداوند دین خود را برای پیامبرش کامل نمود، این اکمال دین در دو ساحت حیات و ممات پیامبر محقق می‌گردد، در زمان حیات پیامبر، با وجود ایشان و در زمان رحلت آن حضرت، با اهل بیتشان. (صفار، ۱۵۰ ح ۱۸، ۱۴۷ ح ۳؛ محدث نوری، ۲۶/۱۷ ح ۲۱۲۸۵؛ علامه مجلسی، ۳۴/۲۶ ح ۵۶) حضرت پندار ناقص دین و یا بیان نشدن کامل شریعت و احکام اسلام را رد و راه رسیدن به آن حقایق را، تمسک به ائمه اطهار (علیهم السلام) معرفی می‌نماید. حضرت (علیه السلام) جریان اهل بیت، در مقابل جریان فقه‌سازی همانند ابوحنیفه می‌داند که طبق رأی و نظر خود نه آن حقیقتی که خدا با آن دینش را کامل نموده به فتوا و بیان حلال و حرام خدا می‌پردازد و در رفتار، دین خدا را ناقص و عقل و خرد ناقص خود را کامل کننده شریعت و دین پیامبر (ص) را نیازمند امثال ابوحنیفه می‌داند.^۱

۶- نقش جامعه و دیگر صحف در تبیین و تثبیت آموزه‌ها

هر چند ظهور امور چالش‌زا در ابتدا، عاملی برای انحراف است، اما مدیریت دقیق حوادث توسط ائمه اطهار (علیهم السلام) زمینه ساز فراهم شدن شرایط فرهنگی و فضای

۱. تمسک به شیوه قیاس توسط مخالفین در برابر منبعی علمی و یقینی مانند جامعه که روایات به آن اشاره دارد، خود قرینه‌ای است بر محتوای جامعه، زیرا قیاس مستمسکی برای یافتن احکام و حلال و حرام توسط فقهاء عامه بوده است.

فکری برای اوج دادن و صعود عقیدتی شیعه و تبیین معارف فراموش شده و آشنائی آیندگان با معارفی مستور می شد.^۱ زمینه‌ای که تصور برخی از نویسندگان دوران حاضر را به آغازین بودن و تولد مولفه‌هایی جدید در منظومه عقیدتی شیعه در عصر صادقین (علیهما السلام) کشانده است، (نک: مدرسی، ۵۷-۱۰۷) این تحلیل با بی‌توجهی به بستر تاریخی و عدم تقاضای عمومی برای شکوفائی و پرورش گزاره‌ها و معارف و منزلت امامت و نقش آن، در عصر پس از پیامبر صورت یافته است و دلائل و نشانه‌های چندی، نادرستی آن را روشن می‌نماید. بررسی خانواده احادیث/جامعه می‌تواند یکی از دلائل نادرستی این تحلیل به شمار آید و نقش نگاشته‌هایی همانند/جامعه، در پاسخ‌گویی به شبهاتی چند در محور امامت را نمایان و پاسخ پیامبر(ص)^۲ در نیاز به این نگاشته‌ها، در سوال از چرائی نگارش آن توسط امیرالمومنین را در بستر تاریخ آشکار سازد.

جامعه یکی از مبادی علم امام است، که این مجرای علمی، از زمان امام باقر (علیه السلام) (علامه مجلسی، ۲۲/۲۶ ح ۱۲، ۲۳ ح ۱۴ و ۱۶، ۲۵ ح ۲۴، ۳۳ ح ۵۰، ۳۴ ح ۵۴، ۳۵ ح ۵۹، ۵۱ ح ۱۰۱، ۵۳ ح ۱۰۹، ۴۸ ح ۹۰، ۵۰ ح ۹۶، ۵۱ ح ۹۸) پس از فترتی که شرائط سیاسی و فرهنگی، ایجاد نموده بود، به صورت وسیع به خواص و گروه‌های مردم معرفی شد. (نک: صفار، ۱۴۴ ح ۱۱، ۱۵۱ ح ۲) این موضوع در زمان امام صادق (علیه السلام) شهرت گسترده‌ای میان خواص و شیعیان و حتی شاخه‌های فرعی و انحرافی یافته بود. (کلینی، ۲۴۱/۱ ح ۵؛ صفار، ۱۳۹ ح ۳، ۱۴۲ ح ۲، ۱۵۳ ح ۶) نشانه این شهرت، سؤالات ابتدائی گروهی از اصحاب و مردم درباره جامعه، به ویژه از امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) می‌باشد. آغاز سخن منصور بن حازم با امام صادق (علیه السلام)، در پرسش از درستی آنچه در رابطه با جامعه شنیده است، بیانگر صحت ادعای مطرح شده است، وی گزارش می‌کند که از امام (علیه السلام) پرسیدم: ان الناس یذکرون ان عندکم صحیفة طولها سبعون

۱. برای ملاحظه نقش چالشها در جهش فکری و علمی (نک: مطهری، ۱۴۷/۳).

۲. قال رسول الله (ص) لعلی «اكتب ما املی علیک» قال: یا نبی الله! أتخاف علی النسیان؟ قال «لست أخاف علیک النسیان وقد دعوت الله لك أن یحفظک ولا ینسیک، ولكن اکتب لشرکائک» قال: قلت: ومن شرکائی یا نبی الله؟ قال: «الأئمة من ولدک بهم تسقی أمتی الغیث، وبهم ینتجاب دعاؤهم، وبهم یمصرف الله عنهم البلاء، وبهم تنزل الرحمة من السماء» وأومئ إلى الحسن وقال: «هذا أولهم» وأومئ إلى الحسين (ع) و قال: «الأئمة من ولده» (صدوق، علل الشرایع، ۲۰۸/۱؛ مفید، ارشاد، ۴۰۱)

ذراعاً فیها ما یحتاجون الیه الناس، و ان هذا هو العلم؟... (صفار، ۱۳۹ ح ۳) مردم می‌گویند نزد شما صحیفه‌ایست که طولش هفتاد ذراع هست که در آن تمام نیازهای مردم آمده است. (برای ملاحظه موارد مشابه نگاه کنید: صفار، ۱۴۲ ح ۲، ۱۴۹ ح ۱۳)

توجه به اینکه بنابر روایاتی، قبل از این دوره به صورت ویژه افرادی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مثل ام سلمه (صفار، ۱۶۳ ح ۴، ۱۶۶ ح ۱۶، ۱۶۸ ح ۲۳) و یا طلحه در زمان امیرالمومنین (علیه‌السلام) (طبرسی، ابومنصور، ۱۵۳/۱؛ سلیم بن قیس، ۶۵۷) نسبت به جامعه آگاهی یافته‌اند، خود پاسخ‌گوی ادعای نوظهور بودن احکام و بیان معارف و آموزه‌های جدید توسط ائمه متاخر شیعه است و دلیلی بر پیوند آموزه‌های شیعه و ریشه داشتن آن تا عصر پیامبر (صلوات الله علیه و آله) است.

۷- چالش‌های عقیدتی

اشاره شد که امامت از ریشه‌ای‌ترین مباحث حوزه کلام اسلامی است و اهل بیت بر تعمیق عقاید مردم در این بخش تأکید فراوان داشته‌اند. در نگاهی تاریخی به موضوع *الجامعه*، که بخش سوم پژوهش حاضر را دربر می‌گیرد و شامل پاسخ ۱. جایگاه *الجامعه* در عرصه تثبیت یا ارتقای اعتقادات شیعه، ۲. نقش جریان‌های درون شیعی در شیوع تفکر اتصال علم امام به پیامبر می‌باشد؛ نقش زمان در انتشار آموزه‌های شیعه را می‌توان به خوبی به تصویر کشید. به عنوان مقدمه باید گفت؛ دوره تاریخی نیمه اول قرن دوم که همزمان با امامت صادقین (صلوات الله علیهما) و انتقال حکومت از خاندان بنی امیه به عباسیان می‌باشد، از چند جهت دارای اهمیت است. از یک سو پیدایش و رشد جریان‌های فکری در ابتدای قرن دوم هجری و حرکت به سمت تئوری‌سازی افکار و اندیشه‌ها، فضا را برای پیدایش شبهات و چالش‌ها فراهم آورد. و از سوی دیگر جریان‌های منتسب به شیعه اذهان را به سمت و سوی مختلف می‌کشید، و فرقه‌ها و انشعاب‌هایی درونی مانند زیدیه، کیسانیه، بنی‌الحسن را تشکیل می‌داد. در مورد علویانی که در این دوره به فعالیت پرداختند دو حیطة قابل بررسی است؛ یکی قیامها و مبارزاتی که با بنی امیه و بنی عباس داشتند، و دیگری چالش‌های عقیدتی که در فضای جامعه شیعی

توسط آنها پراکنده شد. (نک: طقوش، ۱۴ و ۱۵؛ عطوان، ۹۳ و ۹۴)^۱ داعیه داری جماعتی همچون بنی الحسن نسبت به مسأله امامت در یک کلام، چالش در مسئله مصداق امام بود. از دیگر سو، رابطه میان جریان معتزله و بنی الحسن رابطه عمیقی است چرا که بنیان‌گذاران معتزلی مانند واصل بن عطاء، شاگردان ایشان معرفی شده‌اند. (کلینی، ۶۰۱/۱ ح ۷) گزارش کلینی نشان دهنده پذیرش رهبری سیاسی حرکت بنی الحسن توسط سران اعتزال است و آن را می‌توان یک جریان چالشی با پیوند پشتوانه فکری و عقیدتی معتزله و منزلت اجتماعی علوی بنی الحسن به شمار آورد. ادعای مهدویت در این بین توسط برخی از سادات حسنی و همین ادعا توسط برخی از خلفاء عباسی، برخی مستشرقین را بر این باور نزدیک نموده است که طرح اندیشه مهدویت و تعقیب آن از جانب عباسیان به گونه‌ای متأثر از تلاش‌های حسنیان در این عرصه است.^۲ بنی الحسن در مرحله اول با اعتماد نابجا به عباسیان به مبارزه با بنی امیه پرداختند. (اصفهانی، ۲۵۶) گزارشهای تاریخی و روائی بیانگر تفاوت واکنش ائمه معصوم نسبت به گونه‌های مختلف چالشها است.

از موارد چالش‌آفرین عقیدتی، تبیین ویژگی‌ها و پس از آن تشخیص مصداق امام یا به تعبیر رایج آن دوره، خلیفه (یا خلیفه الله) می‌باشد. این مسئله با بررسی اعتقادات و رفتار گروهی از سادات حسنی در مقابله با جریان عقیدتی امامان منصوص و معصوم قابل پیگیری است.^۳ مهمترین نقطه انحراف بنی الحسن را، در نگاه یک سویه ایشان به مسئله وراثت می‌توان تحلیل نمود. ایشان با وجود تأکید بر، در دست داشتن سلاح رسول خدا، از سایر مؤلفه‌ها که مهمترین آن میراث علم است چشم‌پوشی و آنرا به

۱. زمینه‌سازی علویان برای ایجاد چالش نقاط اشتراک و افتراق با جریان سیاسی و فکری - فرهنگی حاکم دارد که از حوصله این نگاشته خارج است. جهت ملاحظه این چالشها در ابتدای امامت امام کاظم (علیه السلام) (نک: بهرامی، ۱۷ به بعد).

۲. نک: مقاله «بحران امامت و شکل‌گیری نهاد غیبت در شیعه دوازده امامی» نگاشته سعید امیر ارجمند، مقاله شماره ۹ کتاب Shi'ism چاپ انتشارات Routledge و چاپ شده در مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه شماره ۲۸ سال ۱۹۹۶ - صص ۴۹۱-۵۱۵؛ ترجمه: محمد حسین افراخته.

۳. روایات نشان می‌دهند گاه سخنان بنی الحسن جماعتی از شیعه را به سوالاتی وادار می‌نمود که نشان از شبهات مطرح شده توسط بنی الحسن در آن مشهود است. همانند جملات ابتدای این روایت: قال أبو عبد الله (ع) لأقوام كانوا یأتونه ویسألونه عما خلف رسول الله (ص) إلى علی (ع) وعما خلف علی إلى الحسن... (نک: صفار، ۱۵۵)

سخره می‌گرفتند. با آنچه که به اجمال گذشت به نقش الجامعه در این فراز و فرود می‌پردازیم. در بررسی روایاتی که به موضوعاتی مانند الجامعه و مصحف فاطمه (سلام الله علیها)^۱ و تا حدودی، دیگر صحف به ارث رسیده و در اختیار ائمه (علیهم السلام) پرداخته‌اند، مطلبی مشترک نمایان است و آن طرح نام و واکنش‌های گروهی از بنی‌الحسن به نگاشته‌های در اختیار ائمه و جریان امامت است. موضع‌گیری امام صادق و برخی ائمه (علیهم السلام) با تبیین و آشکار ساختن صحیفه‌ها و نگاشته‌های در اختیار ایشان، در برابر جریان‌سازی برخی از بنی‌الحسن همانند عبدالله بن الحسن و پسرش محمد، که با عادی جلوه دادن منابع و سرچشمه دانش و آگاهی امام، خود را هم‌تراز و شایسته مقام امامت و رهبری شیعه مطرح می‌نمودند، سبب و جهت گسترش و انتشار عناوین و حقایقی مانند صحیفه‌ها و نگاشته‌های نزد ائمه اطهار از جمله الجامعه را روشن می‌نماید. هرچند این موضوع را به تنهایی نباید عامل این اتفاق برشمرد.

از مطالب ابهام‌آفرین که عبدالله بن الحسن در انتشار آن می‌کوشید، تفاوت نداشتن علم نزد وی با علم نزد عامه (اهل سنت) است. وی در تلاش بود تا دانش امامان شیعه (علیهم السلام) را تفسیر برأی و بیان شخصی است که با حکم واقعی مطابقت ندارد. علی بن‌الحسین از امام صادق چنین نقل می‌کند: عبدالله بن حسن ادعا دارد که در نزد او علمی بیش‌تر از علمی که نزد مردم است نمی‌باشد. حضرت با تأیید این ادعای عبدالله بن حسن، به تبیین تفاوت جایگاه خویش با جایگاه امثال عبدالله بن حسن می‌پردازد و می‌فرماید: «صدق و الله عبدالله بن الحسن ما عنده من العلم الا ما عند الناس و لكن عندنا و الله الجامعة فیها الحلال و الحرام و...» (صفار، ۱۵۷ ح ۱۹، ۱۶۱ ح ۳۳؛ علامه مجلسی، ۴۶/۲۶ ح ۸۴، ۴۸ ح ۹۲) آنگاه فلسفه‌نیاز به آگاهی از علومی برتر از علوم رایج و عمومی را با این عبارت توضیح می‌دهند: «کیف یصنع عبدالله اذا جاء الناس من کل افق یسألونه». (در برخی نسخه‌ها «مِن کُلِّ فَنٍّ» آمده است. نک: علامه مجلسی، ۴۸/۲۶ ح ۹۲) عبدالله چه خواهد کرد آنگاه که مردم از هر سونزد او بیایند و از او پاسخ سؤالات خود را بخواهند. در واقع این عبارت بیانی دیگر از شرایط و جایگاه و منزلت امام و لزوم توان پاسخ‌گویی به مردم با مذاهب و عقاید گوناگون به جهت نقش

۱. نگارندگان مقاله ای تحت عنوان «حقیقت مصحف فاطمه سلام الله علیها و پاسخ‌گویی به شبهاتی پیرامون آن» به صورت مستقل تدوین نموده اند. (نک: برنجکار، شاکر، ۳۷-۵۲)

هدایتی که بر عهده امام است، گوشزد و جایگاه علم در حلقه تکمیل ویژگی‌های لازم برای منصب امامت را روشن می‌نماید.

در مقابل سوال از بیان منشا و چرایی تفاوت احکام صادره از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با عامه، مستند ساختن سخنان و بیانات پیشوایان شیعه به رسول الله برترین شیوه پاسخ است، که نشانه آن مصحف‌های گوناگون و کتاب‌های متعددی بود که از امیرالمومنین (علیه‌السلام) به پیشوایان پس از ایشان انتقال و به ارث رسیده است. (صفار، ۱۵۷ ح ۱۶ و ۱۹) این کتب و صحیفه‌ها که برخی نیز آنرا مشاهده نموده اند (نک: صفار، ۱۴۳ ح ۷، ۱۴۵ ح ۱۴ و ۱۷، ۱۵۷ ح ۱۶، ۱۵۸ ح ۲۱، ۱۶۵ ح ۱۱ و ۱۴؛ کلینی، ۲۴۱/۱ ح ۷، ۹۳/۴ و ۹۴)، سرشار از احادیث نقل شده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که توسط امام علی (علیه‌السلام) نگاشته شده است.^۱ احادیثی که تنها روایت کننده آن امیرالمومنین (علیه و آله السلام) بود. انتساب به پیامبر، امیرالمومنین، فاطمه زهراء (علیهم‌السلام) که وجوه مشترک افتخار و دستمایه بنی الحسن برای زیر سوال بردن برتری امام صادق (علیه‌السلام) بود، با راهکار ارائه مصحف‌های گوناگون و نمایش ارتباط خاص و ویژه ایشان ظاهر می شد؛ و از آنجا که این سرمایه عظیم تنها در اختیار ائمه (علیهم‌السلام) بود، آشکار ساختن نموده‌های آن، وجه امتیاز و دلیل تفاوت احکام صادر شده از ایشان با مخالفان و جهت لزوم پیروی از ایشان را برای طبقات مختلف مردم روشن می‌نمود.

در نتیجه، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در مقابل هجمه جبهه داخلی به منصب امامت که گاه با تردید و تشکیک در مصادیق واقعی آن صورت می‌گرفت، مردم را تشویق به طرح پرسش از منابع علم و دانش امثال عبدالله بن الحسن می‌نمودند و از طرف دیگر با نمایش و آشکار ساختن برخی از صحف و کتاب‌های در اختیار خویش، سعی در رفع غبار توهم عدم اتصال علم امام به پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و عدم وجود علم ویژه و مخصوص برای ائمه (علیهم‌السلام) می‌نمودند. ابن ابی یعفور وقتی از امام صادق (علیه‌السلام) اوصاف جفر/بیض (که مشتمل بر صحف متعددی است) را می‌شنود،

۱. امام صادق (صلوات الله علیه) به فردی با نام عبدالله پس از بیان وجود چنین نگاشته‌ای و محتوای آن می‌فرماید: «اما انک ان رأیت کتابه لعلمت انه من کتب الأولین». (صفار، ۱۶۶ ح ۱۸؛ محدث نوری، ۹۴/۷ ح ۳) این عبارت بر کهن بودن مصحف و نگاشته شدن آن در دوره های پیشین از لحاظ جلد و اوراق آن دلالت می‌نماید.

سوالی مطرح می‌کند که بیانگر این نقطه تلاقی است؛ او می‌پرسد آیا بنی الحسن از این امور مطلع هستند و به آنچه فرمودید معرفت دارند «أَيَعْرِفُ هَذَا بَنُو الْحَسَنِ»، حضرت با تایید آگاهی آنها، انگیزه دنیایی و حسادت را مانع از تمایل به حقیقت بیان می‌نماید.^۱ فرآیند اینگونه واکنشها را می‌توان در روایاتی ملاحظه نمود که مسئله کتب و صحیفه را نشانه و آنرا علامت امامت، همانند تابوت در قوم موسی و بنی اسرائیل معرفی نموده اند. بنی الحسن پس از ناکامی در جبهه استدلال و برهان، به تمسخر و کم اهمیت جلوه دادن نگاشته های در اختیار ائمه پرداختند، (صفر، ۱۵۵ ح ۱۱، ۱۵۶ ح ۱۵) که ارائه این صحف و تحقق خبرهای مستند به این نگاشته‌ها، سبب تایید ادعای ائمه بود. امام رضا (علیه السلام) همچنان که گذشت در جریان ولایت عهدی تحمیلی از مامون برای جلوگیری از انحراف فکری شیعه به *الجامعه* و جفر استناد می‌نمایند. (محدث اربلی، ۳۳۷/۲؛ ابن شهر آشوب، ۳۶۴/۴؛ علامه مجلسی، ۱۵۲/۴۹) مرحوم اربلی در سال ۶۷۰ این عهدنامه و حاشیه حضرت امام رضا (صلوات الله علیه) را مشاهده و عیناً از آن نقل می‌کند. (همان) برخی از اندیشمندان معاصر این عهد نامه را به جهت بیانیه رسمی بودن آن سند بسیار مهمی در اثبات جفر و *الجامعه* می‌دانند. (حائری، ۸۱)

۱. لَكِنَّهُمْ يَحْمِلُهُمُ الْحَسَدُ وَ طَلَبُ الدُّنْيَا عَلَى الْجُحُودِ وَ الْإِنْكَارِ وَ لَوْ طَلَبُوا الْحَقَّ بِالْحَقِّ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ. (کلینی، ۲۴۰/۱ ح ۳) از دیگر موارد نقش آفرینی صحف و نگاشته‌های نزد اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان به مصحف فاطمه (سلام الله علیها) اشاره داشت. طبق روایات وجود صحف از جمله مصحف فاطمه (سلام الله علیها) نیز وسیله‌ای برای مقابله با یک جریان پیچیده انحرافی دیگر از بنی الحسن شد. در جریان ادعای مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن که تمام گروه‌ها بر آن اتفاق نموده بودند، مخالفت امام صادق (علیه السلام) با بیعت برای وی به استناد ذکر نشدن نام وی در مصحف فاطمه به عنوان حاکم و خلیفه - که منبع این استناد در اوقات دیگر به سبب پرسش از چرائی مخالفت حضرت، و حتی ابتداء توسط امام اشاره شده است - باعث جلوگیری از اجماع و برهم خوردن این توطئه گردید.^۱ (نک: مفید، ارشاد/۲-۱۹۰-۱۹۳) این امر در روایات متعدد دیگری نیز از امام صادق علیه السلام در بیان ناکامی بنی الحسن در کسب خلافت و گوشزد کردن آن به اصحاب و مردم ادامه یافت و حضرت با استناد به مصحف از پیوستن شیعیان به این جریان جلوگیری و آن را ابتر و سرانجام کشته شدن محمد بن الحسن را بیان می‌نمود. (کلینی، ۲۴۲/۱ ح ۷ و ۸؛ ۳۱، ص ۱۶۹ ح ۲ و ۳ و ۴ و ۷)

نتیجه‌گیری

۱- الصحیفه الجامعه که به اختصار به آن الجامعه اطلاق شده است، اثری به املاء پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) و نگارش امام علی (علیه‌السلام) است. امیرالمومنین (علیه‌السلام) به عنوان واسطه انتقال علم پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) به ائمه (علیهم‌السلام) نقش اساسی و محوری در این میان داشته است.

۲- این مجموعه شامل نیازمندیهای مردم پس از دوران ختم نبوت، به احکام و حلال و حرام است و آنرا باید پلی میان دانش رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) و دانش ائمه (علیهم‌السلام) به‌شمار آورد، که علاوه بر اطمینان بخشی به یاران خاص ائمه (علیهم‌السلام)، عاملی برای احتجاج مذهبی و اتمام حجت به‌شمار می‌آمده است.

۳- نقش الجامعه در رد انگاره تضعیف خاتمیت، با توجه به استناد یافتن احکام تبیینی توسط پیشوایان شیعه به پیامبر اکرم آشکار می‌باشد و تاکید روایات بر این صحیفه از منظری پاسخ به مسئله چگونگی آگاهی امام از احکام و مستند فتاوی‌امان شیعه است.

۴- در جنبه نقش آفرینی نگاشته‌های به ارث رسیده به ائمه بویژه الجامعه در استحکام و تبیین آموزه‌های دینی، در ابتدای نهضت فقهی شیعی که از زمان امام باقر آغاز گردید، نگاشته‌هایی همانند *الجامعه* بودند که جریان این تحول و پذیرش احکام عملی را تسریع و فراهم می‌نمودند. داستان زراره و واکنش زراره به مصحف و رفتار شناسی امام در چگونگی تعامل با او در درک و پذیرش حقایق، شاهدی مستدل بر این ادعا است.

۵- این کتاب تنها در اختیار ائمه (علیه‌السلام) بوده است و نشان امامت به‌شمار می‌رفته است و می‌توان نقش آنرا در ارتقای عقیدتی و معرفتی شیعه نسبت به جایگاه امامت و جایگاه علم و معرفت در تشخیص مصداق امام با توجه به حوادث و ادعاهای بنی‌الحسن پیگیری نمود.

۶- با مرور بر آنچه گذشت، نقش زمان در فراهم آوردن بستر انتشار آموزه‌های اصیل شیعه نمایان است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام). قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
- ۳- ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین محمد، تفسیر ابن عربی. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۴- ابن حنبل احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ۵- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه. تبریز، چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- ۶- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، قم، دار الکتاب، ۱۳۸۵ق.
- ۷- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، قم، اسماعیلیان و تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ۸- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و...، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۹- امین، سید محسن، أعبان الشیعه. بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- ۱۰- ایجی، میر سید شریف، شرح المواقف، افسست قم، الشریف الرضی، ۱۳۲۵ق.
- ۱۱- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بی جا، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- ۱۲- برنجکار، رضا و شاکر، محمد تقی «حقیقت مصحف فاطمه سلام الله علیها و پاسخ گوئی به شبهاتی پیرامون آن»، پژوهشهای اعتقادی کلامی، قم، ش ۶، ص ۳۷-۵۲، ۱۳۹۱ش.
- ۱۳- بهار دوست، علیرضا، «جفر و جامعه»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، شرکت افسست، جلد ۱۰، ص ۴۷۵-۴۸۰، ۱۳۸۵ش.
- ۱۴- بهرامی، علیرضا، چالشهای عقیدتی جریان امامت پس از شهادت امام صادق (علیه السلام)، قم، مؤسسه دارالحديث، ۱۳۹۱ش.
- ۱۵- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶- جندی، عبد الحلیم، الإمام جعفر الصادق (ع)، قاهره، مطابع الأهرام التجارية، ۱۳۹۷ق.
- ۱۷- حاکم حسکانی، محمد، شواهد التنزیل و...، بی جا، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ق.
- ۱۸- حائری، سید محمد عمادی، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- ۱۹- خوئی، میرزا حبیب الله، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
- ۲۰- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمددستی، قم، طلوع مهر، ۱۳۸۵ش.
- ۲۱- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق.

- ۲۲- رضوی، رسول و شاکر، محمد تقی «چیستی عمود نور»، علوم حدیث، قم، ش ۶۳، ص ۶۲-۶۵، ۱۳۹۱ ش.
- ۲۳- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و... بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۴- سروش، عبدالکریم و بهمن پور، محمد سعید، خاتمیت و ولایت، قم، نشر سمپاد، ۱۳۸۹ ش.
- ۲۵- سلیم بن قیس هلالی کوفی، کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۶- شاکر، محمد تقی، منابع علم امام علیه السلام و پاسخ گوئی به شبهات پیرامون آن، قم، موسسه دارالحدیث، ۱۳۹۰ ق.
- ۲۷- همو و برنجکار، رضا، «امامت و خاتمیت از دیدگاه قرآن و روایات»، کتاب قیم، ش ۶، ۱۳۹۱ ش.
- ۲۸- شرف الدین، سید عبدالحسین، النص و الاجتهاد. قم، طلعه النور، ۱۴۲۶ ق.
- ۲۹- صدر المتألهین، محمد، مفاتیح الغیب، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۰- همو، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۱ م.
- ۳۱- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، قم، انتشارات مکتبه الداوری، بی تا.
- ۳۲- همو، التوحید. قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۷ ش.
- ۳۳- همو، الأمالی. تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۴- صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۳۵- طاووسی مسرور، علیرضا، «جامعه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، ص ۳۵۵ و ۳۵۸، ۱۳۸۸ ش.
- ۳۶- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۷- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، إعلام الوری، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
- ۳۸- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۹- طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، به ترجمه: جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸ ش.
- ۴۰- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، انتشارات دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- ۴۱- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ ق.
- ۴۲- عطوان، حسین، الدعوه العباسیة مبادئ و اسالیب، بیروت، دارانجیل، بی تا.
- ۴۳- غزالی، ابو حامد، مجموعة رسائل الامام الغزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.

- ۴۴- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
- ۴۵- فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۴۶- قیومزاده، محمود و شاکر، محمد تقی، «چیستی روح القدس و آثار آن»، اندیشه نوین دینی، ش ۳۰، ص ۸۷-۱۰۰، ۱۳۹۱ ش.
- ۴۷- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی. مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ۴۸- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ۴۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۵۰- مدرسی طباطبائی، سید حسین، مکتب در فرآیند تکامل، مترجم: هاشم ایزدپناه، تهران، انتشارات کویر ۱۳۸۷ ش.
- ۵۱- مسلم نیشابوری، ابو الحسین مسلم، صحیح المسلم (الجامع الصحیح)، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۵۲- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (علل گرایش به مادی‌گری)، قم، صدرا، ۱۳۸۶ ش.
- ۵۳- معارف، مجید پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ ش.
- ۵۴- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۵۵- همو، الإختصاص. قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۵۶- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

